

روایتی از سفرنامه‌های تصویری به‌جامانده از روزگار کهن که سندی برای زیارت امام‌رضا^(ع) بوده است

گواه مشهدی شدن!

سیده‌نعمیه زینبی| شاید سخت بودن سفرها در گذشته بوده که مردمان

زمان‌های دور را واداشته است گواهی برای زیارت‌هایشان ثبت کنند. شاید هم تکرارناپذیری آن سفرها. این تجربه کمیاب را به میراث مکتوب، پیونده می‌زده است؛ زیرا معدود افراد در طول عمرشان می‌توانستند به زیارت معصومین بروند و در دایره خاطراتشان آن را حک کنند. اما هرچه بوده، امروز طومارهایی از زیارت بزرگان برای ما به یادگار مانده است که شاهدان مکتوب سفرهای افراد صاحب مال و عنوان به شهرهای زیارتی است. برای زائران شیعه، سفر به مشهد و زیارت امام هشتم^(ع) که مرقد پاکش دوراز دیگرانمه^(ع). در گوشه شمال شرقی ایران قرار گرفته، جایگاه ویژه‌ای داشته است. در طومارهای زیارتی که از زائران قدیم مشهد بر جای مانده است، جایگاه والای این شهر معلوم است. بسیاری از طومارهای افراد متمول و صاحب مقام، از مکه شروع و به مشهد ختم می‌شده است. در گزارش زیر، سه نمونه از طومارهای زیارت مشهد را معرفی کرده‌ایم تا دریابیم که بارگاه پاک حضرت شمس‌الشمس^(ع) درارض اقدس، چه جایگاهی میان شیعیان دوره صفوی و قاجار داشته است.



پوست‌سفر مشهد مجموعه مارزولف

از طومار زیارتی تا سفرنامه

طومار زیارت را شاید بتوان یک نوع سفرنامه مصور دانست که در نبود امکانات در گذشته، سند زیارت دارنده آن محسوب می‌شده است. این فرهنگ احتمالاً از سفرهای حج شروع شده بود که برای زائر خانه خدا اهمیت داشت مدرکی از حاجی شدنش داشته باشد. تعداد زیادی از گواهی‌نامه‌های حج از دوره سلجوقی وجود دارد که این امر را تأیید می‌کند. این گواهی‌نامه‌ها که نمونه‌ای از هنرهای اسلامی را با خود به همراه دارد، نخستین تصاویر اماکن مقدس مسلمانان را نیز پیش رویمان می‌گذارد اما با گذر زمان، پای این گواهی‌نامه‌ها به دیگر اماکن زیارتی نیز باز می‌شود. طومار زیارتی سیدمحمد چیشتی که عمری سیصدساله دارد و اکنون در تورنتو نگهداری می‌شود، یکی از آن هاست.

تصاویر، بخش مهم عریضه سفر است که به اماکن زیارتی ایران توجه خاص نشان داده است. نقطه اوج سفر و پایان آن نیز شهر امام‌رضا^(ع) است که شش تصویر از قدمگاه تا حرم مطهر را در خود جای داده است. قدمگاه نیشابور، مسجد گوهرشاد و حرم امام هشتم^(ع). آخرین تصاویر این نامه بلند است. سه تصویر پیاپی طومار هم به‌طریقی، زندگانی شاه‌خراسان را نشان می‌دهند و موضوع مهم این سند مکتوب، همین است که زندگی‌نامه‌و شخصیت یک امام معصوم توجه می‌کند. چلچراغ با پانزده چراغ و دو شمع‌دان بزرگ که بر روی زمین قرار دارند، هدیه نادرشاه افشار است که در طومار جلوه می‌کند. تصویر نقاره‌خانه و سقاخانه، آشپزخانه و شفاخانه حضرت هم در این سفرنامه مصور، مشاهده می‌شود تا جزئیات بیشتری از تاریخ حرم امام هشتم^(ع) در آن نشان داده شود. اگرچه طومارهای زیارتی بسیاری از شیعیان به جای مانده است، این نمونه خاص است و مشابه آن وجود ندارد.

یک طومار صفوی با تکیه بر نقش حرم

از آنجاکه عمر سفرنامه‌های تصویری زیارت شیعیان به عهد صفوی بازمی‌گردد، طومار زیارتی که از دوره شاه سلیمان صفوی برای ما به‌جا مانده است، اهمیت بسیار دارد. درویش طاهر صوفی که به توحیدخانه صفوی وابسته بود، به زیارت عتبات عالیات، حرم امام‌رضا^(ع) و بقعه شیخ صفی و قبر باباطاهر عریان می‌رود پس از بازگشت، از شیوخ توحیدخانه درخواست می‌کند که گواهی‌نامه زیارت برای او بنویسند. این طومار که از اواخر دوره صفوی برای ما به یادگار مانده، یک سند ارزشمند تاریخی است.

این سند روی چند کاغذ نوشته شده است که با الیاف پارچه‌ای به یکدیگر متصل شده‌اند. طومار یک سند شامل گواهی زیارت برای یک صوفی شیعه و مشتاق زیارت امامان است که ضمن زیارت حرمین شریفین عتبات عراق و حرم امام‌رضا^(ع) به زیارت



آخرین طومار زیارتی حرم

«طومار زیارتی شیعی، متعلق به دوره قاجاریه که تصویری از سفرمکه تا مشهد را در خود جای داده است. ازسوی زائر هندوستانی به مرکز اسناد آستان قدس رضوی اهدا شد». این خبری بود که چند وقت پیش منتشر شد و کارشناس مسئول طبقه‌بندی واماده‌سازی اسناد اعلام کرد این طومار را یک زائر هندی به مرکز اسناد آستان قدس رضوی تقدیم کرده است. اندازه این طومار کاغذی حدود دو متر است که پشت آن با پارچه‌ای از جنس کتان پوشیده شده است و اکنون در مرکز اسناد، نگهداری و بررسی می‌شود تا به زودی از آن رونمایی شود. این طومار، سفری زیارتی را از مکه تا مشهد، همراه شعر به تصویر کشیده و شرح زیارت زائر از اماکن زیارتی به زبان شعر در حاشیه بالای طومار آورده شده است. مهدی خانی زاده، کارشناس مرکز اسناد، شاعر این اشعار را فردی به نام «چاووش» معرفی کرده که به نمایندگی از شخص زائر، در راه بازگشت به منزل، اشعار را



بخشی از طومار نیپور / موزه ملی دانمارک

رسول جعفریان در مقاله‌ای که درباره طومارهای زیارتی تألیف کرده، نوشته است: «یک پدیده شناخته‌شده هر چند نه چندان شایع، تنظیم گواهی‌نامه زیارت اماکن مقدس است که نمونه‌ای از آن از قرن نوزدهم با عنوان طومار زیارتی توسط آقای اولریش مارزولف با توضیحات منتشر شد. اینکه کسی زیارت برود و پس از بازگشت، عالمان و فاضلانی چند گواهی‌نامه زیارتی به او بدهند، محتوای این طومار هاست که برای سفر مکه یا زیارت امامان، تنظیم می‌شده است. این طومار می‌توانست به شکل‌های مختلف تنظیم شود، تصاویر و متن در کنار نشان‌های گرافیک از اماکن مقدس در قالب نقاشی نمایی از گنبد و گلدسته و... یا طرح نقش‌های سنتی و مقدس در آن وجود داشت و به صورت یک طومار با طول و عرض متفاوت تهیه می‌شد». در زیارت شیعیان، از میان اماکن متبرکه، حرم امام‌رضا^(ع) جایگاه ویژه‌ای داشته است که در طومارهای به جای مانده، می‌درخشد.



قبر شیخ صفی‌الدین اردبیلی رفته و در نهایت به توحیدخانه اصفهان – خانقاه درباری که شاه صفوی برای آن نایب‌الخلافت تعیین کرده بود– رفته است. او از اشخاصی که با این محفل نزدیک و از خواص صوفیان بودند، خواسته است گواهی‌نامه زیارتی و دعا برای پادشاه تنظیم کنند. در بالای سند آمده است: «به دارالسلطنه اصفهان در توحیدخانه مبارکه قبله حقیقی شاه سلیمان، نایب خلفا نوشته». این عبارت، سند حاضر را ازسوی رئیس توحیدخانه رسمیت می‌بخشد. سند یادشده متنی است که میان سال‌های ۱۰۹۵–۱۰۹۹ قمری تنظیم و کتابت شده است. مهم‌ترین طرح آن نیز نقاشی درباره ضریح مطهر امام‌رضا^(ع) و قندیل‌های اطراف آن است. این سفرنامه زیارت، ۲۲ بیت شعر به‌عنوان سرگذشت یا قصه دارد که درویش طاهر، مطالبی درباره شغل خود و رابطه‌اش با دربار و سفرهایش در آن بیان کرده است. بنابراین طومار یادشده، منظومه‌ای از یک شاعر درویش مسلک است که می‌شود آن را سفرنامه او هم تلقی کرد.



خانه‌ای بدون حیاط!

شاید اگر بخواهیم تاریخ ساخت خانه داوری را تخمین بزنیم، باید از سال ۱۳۰۹ شروع کنیم و آن را مربوط به آن زمان تا چند سال پس از آن بدانیم. از ویژگی‌های خاص خانه، قرارگیری آن در حاشیه خیابان خسروی است و به نوعی موقعیتش، آن را تبدیل به نمای این خیابان می‌کند. خانه داوری جزو معدود خانه‌های بافت تاریخی مشهد است که برخلاف دیگر خانه‌های این شهر که حیاط‌های بزرگ و دل‌باز دارند، حیاط ندارد. این مسئله شاید به موقعیت زمین این ملک در نبش خیابان و دومر بودن آن ارتباط داشته باشد که فضای زیادی از آن را اشغال کرده است. اگر از نمای بیرون خانه را تماشا کنید، متوجه تقارن زیبایی که در ساخت آن به کار گرفته شده است، می‌شوید. خانه در دو طبقه ساخته شده است که یک سوی آن خیابان است و به‌گونه‌ای ساخته شده که مغازه‌های طبقه همکف را دربر گرفته است و ازسوی دیگر از کوچه دیلمه ۲ راه دارد که

درواقع کوچه پشتی خانه برای رسیدن به قسمت مسکونی آن است. این ملک، ۱۴۰ متر مساحت دارد و باتوجه به دوطبقه بودن، دارای ۲۸۰ متر زیربناست. سازنده این بنا، تعداد داشته است که میزان زیربنات خانه در ضلع سمت خیابان، بیشتر از دیگر ضلع‌های آن باشد.

قاب‌های آجری، رخ‌بام‌های آجری و قاب‌هایی از جنس کاشی معرق با نقوش اسلیمی و ختایی، مساحت دار و باتوجه به دوطبقه بودن، دارای ۲۸۰ متر زیربناست. سازنده این بنا، تعداد داشته است که میزان زیربنات خانه در ضلع سمت خیابان، بیشتر از دیگر ضلع‌های آن باشد.

مشهدیات

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بیشت (قسمت صد و چهاردهم)

مشهد به روایت «فردوس التواریخ» (بخش نازدهم)

مرضیه ترابی| انوروزعلی بسطامی، مشهور به «فاضل بسطامی»، در کتاب «فردوس التواریخ»، نخستین کتاب تاریخ اختصاصی شهر مشهد که ما در چند قسمت اخیر، به حاشیه‌نویسی درباره آن پرداختیم، ضمن بررسی خدمات گوهرشاد بیگم به این شهر و حرم مطهر رضوی، به اختصار نامی از «سلطان حسین میرزای یاقرا» به میان آورده و نوشته است: «بعد از آن (مقصود دوران فعالیت‌های عمرانی عهد گوهرشاد بیگم است) سلطان حسین میرزای یاقرا به اضعاف (چند برابر کردن) عمارات و ازدیاد وظایف و موقوفات قیام نمود». اشاره فاضل بسطامی به نام سلطان حسین که دست بر قضا عهد او، دوران توسعه کمی و کیفی شهر مشهد است، بسیار ناچیز به نظر می‌رسد، حال آنکه در نمونه‌های مشابه، به ویژه در مورد دوران سلطان سنجر که نسبت به عهد سلطان حسین یاقرا، کار کمتری برای حرم و شهر مشهد انجام شده، کار را به اطاله کلام کشانده است. دلیل این چشم‌پوشی بر ما معلوم نیست. فاضل بسطامی، چنان‌که در متن کتاب نشان می‌دهد، بخشی از شواهد تاریخی مورد نیاز خود را از کتیبه‌های داخل حرم گرفته است و اتفاقاً کتیبه پیشانی ایوان نادری در صحن عتیق، مزین به نام سلطان حسین یاقراست و نمی‌توان فرض کرد که فاضل، این سند و یادگار مهم تاریخی را که در عهد صفوی و به دست محمدرضا امامی، خوشنویس و شاگرد «علیرضا عباسی»، مرمت و بازنویسی شده است، ندیده باشد. با این حال لازم است ما برای درک و شناخت بهتر هویت تاریخی شهر مشهد، با سلطان حسین یاقرا بیشتر آشنا شویم؛ هر چند که بیشتر اقدامات عصر او در مشهد، را وزیر خردمندش، امیرعلیشیر نوایی، انجام داد.

- درباره سلطان حسین یاقرا

سلطان حسین یاقرا در بهار سال ۸۱۹ خورشیدی (محرّم ۸۴۲ قمری / ژوئیه ۱۴۳۸ میلادی) در دولتخانه شهر هرات متولد شد. نسب وی از جانب پدر و مادر، به تیمورلنگ می‌رسید و مشهور است که از طرف مادری، نسبی هم به چنگیزخان می‌برد. اما خودش مایل بود تبارش را به خواجه‌عبداء... انصاری برساند، هر چند این نسب‌سازی، چندان محل توجه مورخان قرار نگرفت و در تاریخ هم به چشم نیامد. پسوند «قرا» در نام سلطان حسین، حکایت از پیوند وی با خاندان حکومتی دارد. تکاپوی سیاسی و قدرت‌طلبی سلطان حسین در کسوت یک شاهزاده تیموری، از چهارده سالگی و با پیوستن وی به ابوالقاسم بابرا آغاز شد. سلطان حسین بعدها به ابوسعید گورکانی پیوست و این پیوستن و جدایی، میان بابر و ابوسعید، چندباری تکرار شد تا آنکه در بیست سالگی سلطان حسین و پس از مرگ بابر که بر مناطق وسیعی از خراسان، از جمله شهر مشهد مسلط بود، جهان‌گشایی سلطان حسین یاقرا آغاز شد و نخستین گام‌های تصاحب قدرت را با سیصد نفر برداشت. وی آشکارا تمایلات شیعی داشت و حتی بعد از آغاز حکومتش، دستور داد نام دوازده امام^(ع) در خطبه‌ها خوانده شود. اما از آنجاکه بخش مهم رعایای حکومت وی در شرق خراسان، پیرو مذهب شیعه نبودند، مانند دیگر حاکمان تیموری، سیاست تساهل دینی پیش گرفت و از ابزار تشیع خویش، خودداری کرد. بد نیست بدانیم که در این دوره، اندیشه و تفکرات شیعی در جامعه ایرانی رواج بسیار یافته بود و چنان‌که رسول جعفریان در کتاب «تاریخ تشیع در ایران» اشاره می‌کند و دیگر پژوهشگران نیز بر آن تأکید می‌کنند، بسیاری از اهل سنت خراسان، اعتقاد راسخی به دوازده امام شیعه اثنی عشری داشتند. سلطان حسین یاقرا با وجود درپیش گرفتن سیاست تساهل دینی، هیچ‌گاه از ابزار تشیع خودداری نکرد و این رویکرد در آثار هنری و ادبی دوران وی، بازتابی وسیع یافت.

خبر سوخته

اعتراض یک مادر داغ‌دیده

ساعت ۶ بعد از ظهر روز شنبه ۱۷ اردیبهشت، فرزند خردسال مریض خود را جهت معالجه پیش آقای دکتر از نوشتن نام معذوریم) بردم. آقای دکتر پس از مدتی معطلی و معاینه طفل، نسخه‌ای مرقوم [کردند] و به من دادند. این جانب بر حسب معمول، مبلغ بیست ریال به آقای دکتر تقدیم داشتم. آقای دکتر (...) که گویا از نظر عاطفه و انسانیت، رکود نوع پرستان را شکسته‌اند (!) پس از مشاهده بیست ریال، با تغییر قیافه و اظهار اینکه ویزیت من کمتر از سی ریال نیست، وجه را مسترد و با نهایت خشونت و وقاحت، نسخه را پس گرفتند. من که چنین انتظاری ن نداشتم، با عجز و لایه عرض کردم که مبلغ ده ریال کسری را پشت نسخه یادداشت فرمایید تا در مراجعت ثانی تقدیم دارم. آقای دکتر با حال غضب، نسخه را پاره و بنده را از اتاق خارج نمودند و در نتیجه این عمل وحشیانه، با نهایت یأس و نومیدی به منزل، مراجعت [کردم] و از نظر ضیق وقت، مراجعه به طبیب دیگری برابم مقدور نشد. شب را همه خانواده در بالایی طفل خردسال خود به روز آوردیم. در نتیجه این غفلت عدم استحضار از ویزیت آقای دکتر و مدتی معطلی در مطب ایشان، فرصت معالجه از دست رفت و طفلم در آغوش من جان سپرد. صبح روز بعد با مراجعه به جناب آقای دکتر شیخ حسن خان عاملی (رئیس پزشکی قانونی وقت) چون موقع گذشته بود، بیکر را تحویل دادیم. آقایان اولیای محترم امور باتوجه به این مطالب راضی نشوند این‌گونه افراد پست، بیش از این در مکیدن خون مردم بیچاره اصرار ورزند. ش. آ. ۱۷۰۰/۱ مادر داغ‌دیده.

منابع:

سرگذشت

طوماری

زیارتی از دوره

شاه سلیمان

صفوی،

نوشته رسول

جعفریان،

طومار

گواهی‌نامه

حج از سده

نهم جبری در

موزه بریتانیا،

تألیف احمد

خامه‌یار

از مکه تا

مشهد، طومار

تصویری از

سفر زیارتی

شیعی در

دوران قاجار،

اثر اولریش

مارزولف،

ترجمه رکسانا

زنهاری،

اهدای طومار

زیارتی قجری

به مرکز

اسناد آستان

قدس‌رضوی،

شهرآرانیوز.

روزنامه آفتاب شرق/ اردیبهشت ۱۳۲۸ خورشیدی.